



۲۰۲۰/۰۸/۱۱



ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

## وطن در آتش!!



تلاش‌ها برای صلح با طالبان، صادقانه نیست، یا کسانی که باید با ایشان صلح کرد صادق نیستند و یا مغرضینی که می‌خواهند آب را گل‌آلود و ماهی مراد خود را به دست بیاورند، صلح را به بازی کشیده‌اند. متأسفانه در جریان این بازی بزرگ جنگ و کشتار ظالمانه ادامه دارد و خانواده‌ها جگر گوشه‌های خود را از دست می‌دهند و نظامیان تازه جوان به خون می‌غلتنند.

طالبان هم که به سطح جهانی دست بالا پیدا کرده‌اند، خواسته‌های خارج از معیارهای حقوقی را بر دولت می‌قبولانند، امریکا هم که راه‌گریز می‌پالد، بر دولت افغانستان فشار وارد می‌کند. از جمله آزاد ساختن چار صد مجرم جنائی و حقوقی که بیش از یک و نیم صد نفر آن، محکوم به اعدام، قاچاقبران مواد مخدره و سارقان را با خود دارد، دولت هم تلاش دارد با برگزاری لویه جرگه مشورتی بار مسئولیت را از دوش خود برداشته و مردم را با آن شریک بسازد، تا اگر فردایی برای پرسیان در ویرانکده‌ما وجود داشته باشد، با صراحت و اطمینان بگویند که، این فیصله لویه جرگه و نمایندگالن مردم بود.

مردم بیچاره که از نیم قرن به این طرف، میدان را باخته‌اند، آخرین امیدواری خود را هم که صلح و آرامش دائمی ست، از دست بدهند.

منظومه‌ای را که چند سال پیش به مناسبت نارامی‌های مکرر سروده شده است، تقدیم می‌کنم:

خفته گویا که تمام بدنم در آتش	تو سفرکردی و من غوطه زخم در آتش
بسکه آمیخته طرز سخنم در آتش	شعله می‌خیزد از آهنگ صدایم امروز
مگر افتاده سرا پای تنم در آتش؟	دست و پا و سر و گردن، همه جا میسوزد
کردی ای طوطی شکر شکم در آتش	طرز گفتار شکر ریز تو خاموشم کرد
که ز عمری ست نشسته وطنم در آتش	من چسان دل، به تماشای چمن شاد کنم

نیست آرامشی در منزل و نه در گلشن      خانه می سوزد و باغ و چمنم در آتش  
بسکه دلسرد ز بی مهری مردم گشتم      گرم سازید به مردن، کفنم در آتش  
تا به دلگرمی «اسیر» سر زلفی باشم  
بگذارید به قید رسنم در آتش

م. نسیم «اسیر» ۶ نومبر ۱۴م، فرانکفورت

### تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و سروده های دیگری از این شاعر معزز را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

وطنم در آتش  
assir\_n\_watan\_dar\_aatash.pdf

